



بسم الله الرحمن الرحيم

صدقه فطر و كفارات به اساس قيمت‌ها و پول نقد

(ترجمه)

به جواب بکر ساعد

پرسش

السلام عليكم و رحمت الله و بركاته!

حكم اداى صدقه فطر و كفارات مانند كفاره يمين و كفاره ظهار به اساس قيمت و پول نقدى چى مى‌باشد؟ آيا قيمت صدقه فطر و كفارات جايز است كه براى يك مسكين داده شود و يا اين كه لازم است كه طبق الله سبحانه و تعالى در قرآن كريم تعيين نموده در كفاره يمين به ده مسكين داده شود و در كفاره ظهار به شصت مسكين؟ الله سبحانه و تعالى براى شما برکت دهد.

پاسخ

و عليكم السلام و رحمت الله و بركاته!

شما در خصوص دو مسئله سوال نموديد:

اول: آيا پرداخت قيمت در صدقه فطر و كفارات در عوض اشياء كه در نصوص شرعى ذكر شده مانند طعام دادن و پوشانيدن و مانند آن جايز است و يا خير؟

سوال دوم: آیا قیمت برای یک مسکین داده شود مانند که در نصوص وارد شده برای اشخاص معین از مساکین پرداخته شود، و یا لازم است که به تعداد مساکینی که در نصوص تعیین شده پایبندی شده و کل قیمت برای یک مسکین داده نشده؛ بلکه برای مساکین که در نصوص تعداد شان ذکر شده پرداخت گردد؟

□- در خصوص سوال اول باید گفت که علماء در جزئیات پرداخت قیمت اختلاف کردند یعنی بعضی علماء به این نظر اند که در احادیث وارد شده است:

- بخاری از نافع ابن عمر رضی الله عنه تخریج نموده که گفته است:

«فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَدَقَةَ الْفِطْرِ صَاعاً مِنْ شَعِيرٍ أَوْ صَاعاً مِنْ تَمْرٍ عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم صدقه فطر را یک صاع از جو و یا یک صاع از خرما فرض کرده خواه

شخص صغیر باشد و یا کبیر، آزاد باشد و یا برده.

ترمذی نیز این حدیث را تخریج نموده با زیادت «عَلَى الذَّكَرِ وَالْأُنْثَى... قَالَ فَعَدَلَ النَّاسُ إِلَى نِصْفِ صَاعٍ مِنْ بُرٍّ» یعنی بر مرد و زن... گفته است بعداً مردم به نصف صاع از گندم عدول کردند.

- و یا این که صدقه فطر به قیمت نقدی به تقدیر و اندازه و در برابر عین چیزی که در احادیث ذکر شده به پول نقد پرداخت شود... نظر راجح در نزد ما همان نظری است که در کتاب اموال در کتاب دولت خلافت ذکر شده؛ موضوعی که از جواز پرداخت قیمت خبر می‌دهد و این مسئله به دلیل آن است که به اساس دلایل ذیل پرداخت قیمت در زکات جایز است:

۱- در صفحه ۱۵۰ و ۱۵۱ کتاب فایل ورد کتاب دولت خلافت آمده است: «زکات در زروع، میوه جایز است که در بدل اخذ عین زروع و میوه از قیمت آن گرفته شود نقد باشد و یا غیر نقد و این به دلیل روایتی است که عمرو بن دینار از طاوس شده است:

«أَنَّ النَّبِيَّ بَعَثَ مُعَاذًا إِلَى الْيَمَنِ فَكَانَ يَأْخُذُ الثِّيَابَ بِصَدَقَةِ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم معاذ را به سوی یمن فرستاد و او لباس را در عوض گندم و جو به عنوان

زکات می‌گرفت. (این حدیث را ابو عبید روایت کرده است).

از معاذ در خصوص نفس زکات روایت شده که او کالا را در برابر زکات می‌گرفت و این در این قول اش واضح شده است: «إِيتُونِي بِخَمِيسٍ أَوْ لَبِيسٍ آخِذَةٍ مِنْكُمْ مَكَانَ الصَّدَقَةِ، فَإِنَّهُ أَهْوَنُ عَلَيْكُمْ وَأَنْفَعُ لِلْمُهَاجِرِينَ بِالْمَدِينَةِ» ترجمه: خمس و یا لباس‌های کار کرده خود را بدهید که آنها را در برابر زکات از شما می‌گیرم، زیرا این برای شما آسان‌تر و برای مهاجرین مفیدتر است.

در سنت آمده است که از رسول الله صلی الله علیه و سلم و اصحاب آن روایت شده که گاهی حق در مال ثابت می‌شود؛ سپس به غیر آن رجوع می‌شود؛ به چیزی که برای دهنده آن نسبت به اصل مال آسان‌تر می‌باشد؛ به همین دلیل نامه‌ای رسول الله صلی الله علیه و سلم در خصوص جزیه به معاذ در یمن وجود دارد:

«أَنَّ عَلِيَّ كُلَّ حَالٍ دِينَارًا أَوْ عِدْلَهُ مِنَ الْمَعَاوِرِ»

ترجمه: بر هر شخص بالغ یک دینار و یا به اندازه آن از لباس‌های یمنی است.

این حدیث را ابوداود روایت کرده است.

پس رسول الله صلی الله علیه و سلم کالا را در جای عین قرار داده است، یعنی گرفتن لباس در جای طلا و از همین باب است نامه که به اهل نجران فرستاد:

«أَنَّ عَلَيْهِمُ الْفِي حُلَّةٍ فِي كُلِّ عَامٍ، أَوْ عَدْلَهَا مِنَ الْأَوْاقِي»

ترجمه: بر ایشان لازم است که دو هزار جامه بدهند و یا معادل آن از ظروف پرداخت نمایند.

این حدیث را ابوعبید روایت کرده است.

ابن قدامه در مغنی ذکر کرده است که عمر رضی الله عنه شتر را در عوض طلا و نقره می‌گرفت چنانچه علی رضی الله عنه سوزن، تناب، و مایعات را در جزیه در عوض طلا و نقره می‌گرفت. « ختم شد.

ب- در صفحه ۱۵۹ کتاب اموال در دولت خلافت آمده است: «از طلا به طلا زکات گرفته شود و هم‌چنان به اوراق که قایم مقام طلا قرار دارد و یا به اوراق وثیقه زکات گرفته می‌شود، هم‌چنان از نقره به نقره زکات گرفته شود و یا به اوراق که قایم مقام نقره قرار دارد و یا اوراق وثیقه زکات گرفته می‌شود، چنانچه جایز است که از طلا به نقره زکات گرفته و به اوراق که در یک جامعه الزام شده و از نقره به نقره زکات گرفته شود و هم‌چنان به اوراق الزامی؛ زیرا تمامی این پول‌ها قیمت گرفته می‌شود، پس بعضی در عوض بعض دیگر جایز است و جایز است که بعض این پول‌ها در عوض پول دیگر به عنوان زکات پرداخت گردد؛ چون هدف تحقق پیدا می‌یابد، دلایل اخذ قیمت در بدل عین مالی که در آن زکات واجب شده در باب زکات زورع و میوه جات ذکر و گذشته است.» ختم شد.

بناءً من ترجیح می‌دهم که پرداخت زکات فطر به قیمت نقدی و یا با اخراج عین آن مال جایز است؛ چنانچه در احادیث شریفه ذکر شده است.

ج- برای معلومات بیش‌تر باید گفت که در آن خصوص نظریات فقهاء وجود دارد که از جمله نظریات فقهاء به قرار ذیل است:

- علمای احناف به این نظر اند که واجب در صدقه فطر نصف صاع از گندم یا آرد، تلخان، کشمش، و یا یک صاع از خرما و یا جو می‌باشد اما خصوصیت و صفت مالی که به عنوان صدقه فطر پرداخت می‌شود، این است که مال متقوم است نه این که او مال عین است؛ پس جایز است که از تمام این اموال متقوم قیمت آن از درهم، دینار، پول، کالای تجارتي و یا هرچیزی که شخص خواست پرداخته شود، اما سرخسی در صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸ جلد ۳ کتاب المبسوط گفته است: «اگر شخص قیمت گندم را پرداخت نمود در نزد ما جایز است، زیرا معتبر حصول بر آوردن نیاز بوده و بر آوردن نیاز با پرداخت قیمت نیز حاصل می‌شود؛ چنانچه که این هدف با پرداخت گندم بر آورده می‌شود این مذهب حنفیه است و به این قول عمل شده و فتوای مذهب شان نیز بر این قول است که در زکات هرچیزی و در کفارات، نذر، خراج و غیره پرداخت قیمت جایز است.

- عمر ابن عبدالعزیز به این نظر است که پرداخت قیمت نیز جایز است، از وکیع از قره روایت است که گفت: نامه عمر ابن عبدالعزیز در خصوص صدقه فطر برای ما آمد که نصف صاع از هر شخص پرداخت شود و یا قیمت نصف صاع از قیمت آن به حساب درهم پرداخته شود. و این آثار را امام ابوبکر ابن ابی شیبہ در صفحه ۳۹۸ جلد ۲ تصنیف اش تحریر نموده است.

بناءً واجب نیست که حتماً از عین اشیاء که در نصوص وارد شده زکات و صدقه فطر پرداخت شود بلکه پرداخت قیمت این اشیاء نیز جایز است چنانچه دلایل شرعی آن در فوق ذکر شد.

□- اما نسبت به سوال دوم شما باید گفت که علماء در این خصوص نیز اختلاف کردند نظری که من آن را ترجیح می‌دهم این است که وقتی نص به عدد مشخص از مساکین ذکر شده:

﴿فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ﴾ [مائده: ۸۹]

ترجمه: کفاره آن طعام دادن به ده مسکین از متوسط طعامی است که به خانواده خود می‌دهید و یا پوشاک آنان

می‌پوشانید

﴿فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامِ سِتِّينَ مَسْكِينًا﴾ [مجادله: ۴]

ترجمه: پس کسی که توان نداشت شصت مسکین را سیر کند

پس در این صورت پایبندی به همان عدد ده و شصت که در نصوص ذکر شده لازم است خواه پرداخت عین باشد و یا قیمت آن؛ زیرا عدد در این نصوص هدف است؛ پس این یک قید لازمی است، اما در صورتی که نصوص پرداخت برای مساکین را بدون ذکر عدد طلب می‌نمود، پس در آن صورت جایز بود که کل آن برای یک نفر پرداخت شود؛ چون قید عدد در آن جا وجود نداشت و هم‌چنان جایز بود که بیش‌تر از آن پرداخت شود مانند این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَّاتِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ

السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [توبه: ۶۰]

ترجمه: صدقات منحصر برای فقیران و درماندگان و مأمورین وصول آن و جذب و برای آزاد کردن اسیران و وامداران و

در راه الله (سبحانه و تعالی) و فرزندان سبیل است فریضه‌ای است از جانب الله (سبحانه و تعالی) و یقیناً که او

(سبحانه و تعالی) دانای با حکمت است.

پس برای زکات دهنده جایز است که زکات‌اش را برای یک مسکین پرداخت کند و هم‌چنان جایز است که برای مساکین زیادی تقسیم کند؛ زیرا در آیه عدد معین وارد نشده، بلکه لفظ مساکین بدون ذکر عدد ذکر شده است؛ اما در این آیه این مسئله در نظر گرفته می‌شود که پرداخت زکات برای این مردم به دلیل وصف مسکنت شان است؛ پس حد نهایی برای پرداخت زکات خواه یک نفر باشد و یا بیش‌تر به اندازه آن است که آن‌ها را از زکات گرفتن غنی بگرداند؛ یعنی غیر مستحق شده و از وصف مسکنت بیرون شوند و پرداخت بیش‌تر از این حد برای شان جایز نبوده و طبیعی است که این مقدار نسبت به اشخاص و حالات متفاوت است، این چیزی است که من آن را ترجیح می‌دهم و الله سبحانه و تعالی از همه عالم‌تر و با حکمت‌تر است.

برادرتان عطاء ابن خليل ابوالرشته

٢٨ رمضان ١٤٤٣هـ.ق.

٢٩ اپريل ٢٠٢٢م.

مترجم: مصطفى اسلام